

اثر نهادها بر صادرات غیرنفتی در کشورهای منتخب عضو اوپک

حسین شریفی رنانی*

استادیار گروه اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان

حسن ملاسمعیلی دهشیری**

کارشناسی ارشد علوم اقتصادی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۴/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۲/۲۱

چکیده

امروزه تجارت و سیاستهای توسعه صادرات به دلیل سرعت بالای تولید علم و فناوری اهمیت بسیار و نقش بی‌بدیلی در توسعه اقتصادی دارند. در نظریه‌های جدید تجارت بین‌الملل، صادرات تابعی از متغیرهای قیمتی و غیرقیمتی است. از متغیرهای غیرقیمتی که اخیراً مورد توجه اقتصاددانان نهادگرا قرار گرفته است، می‌توان به متغیرهای نهادی اشاره کرد. هدف این مقاله بررسی آثار نهادها از قبیل کارایی و اثربخشی نهادهای دولتی، بار مالی قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد بر صادرات غیرنفتی کشورهای منتخب اوپک است. در همین باره تأثیر نهادها بر صادرات غیرنفتی با استفاده از مدل رگرسیون مبتنی بر داده‌های تابلویی برای ۱۰ کشور اوپک برای سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد شاخصهای اثربخشی دولت و حاکمیت قانون اثر منفی و شاخصهای کیفیت قوانین و کنترل فساد اثر مثبت و معنادار بر صادرات غیرنفتی کشورهای منتخب دارند.

واژه‌های کلیدی: صادرات غیرنفتی، نهاد، داده‌های تابلویی، کشورهای عضو اوپک.

طبقه‌بندی JEL: F10، F14، F13، H11.

* پست الکترونیکی: h.sharifi@khuisf.ac.ir

** مسئول مکاتبات، پست الکترونیکی: hmesmaili@gmail.com

۱. مقدمه

تجارت بین‌الملل نقش مهم و فزاینده‌ای را در اقتصاد ایفا می‌کند. حجم تجارت جهان در دهه‌های اخیر افزایش یافته است و تأثیر بسزایی در رشد اقتصادی کشورها دارد. یکی از عوامل مهم دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار، رونق صادرات است که مهمترین هدف سیاستگذاری در بخش تجارت خارجی را تشکیل می‌دهد. اهمیت روز افزون استقلال از درآمدهای نفتی به دلیل نوسانات و بی‌ثباتی قیمت و تقاضای جهانی نفت که درآمدهای دولت و اقتصاد کشور را به شدت تحت تأثیر عوامل برونزا قرار می‌دهد، باعث شده است تا نقش صادرات غیر نفتی فراتر از ابزاری برای کسب درآمدهای ارزی مطرح شود، به نحوی که نظر بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران اقتصاد به سمت تحلیل وضعیت موجود صادرات غیر نفتی معطوف شده است. مشکلات ناشی از اقتصاد تک محصولی و اتکای بیش از حد به درآمدهای نفتی، اقتصاد کشورها را به شدت تحت تأثیر عوامل خارجی از جمله نوسانات بهای جهانی نفت قرار داده است. کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی در بعضی مواقع به روشنی اثرهای منفی اتکای بیش از حد اقتصاد کشورها به درآمدهای نفت را نشان داده و در واقع هشدارهای صاحب‌نظران اقتصادی کشورها را برجسته ساخته است. بی‌تردید عدم تحقق درآمدهای پیش‌بینی شده دولتها از محل صادرات نفت نه تنها بر اجرای طرحهای مختلف و اقتصاد کشورها تأثیر خواهد گذاشت، بلکه بر آینده اقتصاد و برنامه‌ها و طرحها آثار منفی مضاعفی خواهد داشت و در نتیجه موجب بروز مشکلات بسیاری در بخشهای مختلف اقتصاد کشورها خواهد شد (نبیونی و همکاران،^۱ ۲۰۰۸).

در نظریه‌های اقتصادی معمولاً صادرات را تابعی از متغیرهای قیمتی نظیر: نرخ ارز، نرخ تورم، سیاستهای ارزی، سیاستهای پولی و متغیرهای غیرقیمتی نظیر متغیرهای نهادی می‌دانند. در برخی از نظریه‌های جدید اقتصاد بین‌الملل بر اهمیت بسیار بالای متغیرهای غیرقیمتی تأکید شده و بیان می‌دارند تغییرات نهادی با ایجاد ساختار با ثبات برای کنش متقابل انسانها، ناطمینانی در بازار را کاهش می‌دهد و در نهایت این عوامل موجب افزایش قدرت رقابت پذیری بازار می‌شود (دالر و کری،^۲ ۲۰۰۲).

در مجموع در مورد عوامل مؤثر بر صادرات طیفی از نظریات و راهکارها ارائه شده است. در یک‌سر این طیف نظریه‌ای وجود دارد که بر نقش مؤثر و قابل توجه عوامل قیمتی تأکید می‌کند و اعتقاد دارد متغیرهای قیمتی این توانایی را دارند که عوامل و شرایط غیرقیمتی را تأمین کنند و در سر دیگر این طیف نظریه‌ای وجود دارد که بسته به نزدیکی و دوری از دو سر طیف، عوامل

^۱ Nabioni et al.

^۲ Dollar and kraay

قیمتی و غیرقیمتی را با وزن‌ها و ضرایب متفاوت مورد تأکید و توجه قرار می‌دهد. بررسیها نشان می‌دهد متغیرهای قیمتی موفق به توضیح تمام تغییرات لازم ایجاد شده در عملکرد صادرات نمی‌شود. بنابراین ناگزیر عوامل غیرقیمتی (خصوصاً نهادی) وارد تابع صادرات شده است (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۹).

سازمان کشورهای صادرکننده نفت با نام اختصاری اوپک (OPEC)، یک کارتل بین‌المللی نفتی است که متشکل از ۱۲ کشور درحال توسعه صادرکننده نفت است. هدف اصلی سازمان اوپک محافظت از منافع کشورهای عضو، هماهنگی و یکپارچه‌سازی سیاستهای نفت کشورهای عضو و تعیین بهترین راه برای تأمین منافع جمعی یا فردی آنهاست.

در این مقاله سعی شده تا اثر نهادها به عنوان یک شاخص مؤثر در تنظیم روابط اقتصادی و توسعه و گسترش صادرات، بر صادرات غیرنفتی کشورهای منتخب عضو اوپک^۱ بررسی شود تا بتوان در جهت ارائه راهکارها و سیاستهای بهتر در جهت بهبود صادرات غیرنفتی گام برداشت. تحقیق در مورد صادرات غیرنفتی کشورهای عضو و میزان تأثیرپذیری آن از نهادها صورت گرفته است. در همین باره فرضیه تحقیق عبارت است از: نهادها بر صادرات غیرنفتی کشورهای عضو اوپک تأثیر گذار هستند.

در ادامه بحث ابتدا مبانی نظری تشریح می‌شود. بعد از آن مطالعات تجربی صورت گرفته در این زمینه بررسی می‌شود، در بخش بعد براساس مبانی نظری و مطالعات تجربی گذشته، مدل ارائه و متغیرها تعریف می‌شوند و نتایج حاصل از تخمین مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و در پایان نتیجه‌گیری و ارائه راهکارهای سیاستی در جهت بهبود صادرات غیرنفتی کشورهای منتخب ارائه می‌گردد.

۲. مبانی نظری و مطالعات تجربی

در این بخش ابتدا مفاهیم و نظریات مرتبط با صادرات و نهادها به اختصار ارائه و سپس در مورد کانالهای اثرگذاری عوامل نهادی بر صادرات غیرنفتی بحث می‌شود. سیر تجارت در دنیا، کشورهای با اقتصادی بسته را به نظامهای باز اقتصادی به صورت پویا، تغییر داده است. در این مورد می‌توان از نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ میلادی یاد کرد که کشورها به تولید و صادرات کالاهایی تشویق می‌شدند که در آن مزیت مطلق داشته باشند. پس از آدام

^۱ کشورهای منتخب عضو OPEC عبارتند از: الجزایر، ایران، کویت، لیبی، نیجریه، قطر، عربستان سعودی، اکوادور، آنگولا و ونزوئلا.

اسمیت، ریکاردو نظریهٔ مزیت نسبی را مطرح نمود که به نظریهٔ هزینه نسبی نیز معروف است. که در این نظریه ریکاردو اثبات نمود که هر کشوری که در تولید یک کالا یا خدمت مزیتی نسبی داشته باشد، اگرچه مزیت مطلوب نداشته باشد، موفق خواهد بود و عایدی و سود آن به تمامی کشورهایی که به این مبادله می‌پردازند، تعلق خواهد گرفت. هکشر-اوهلین نظریهٔ وفور عوامل را مطرح نمودند و اقتصاددانان دیگری مانند جانسون، جونز، استالپر، ساموئلسن، آن دو را کامل کردند. بنابراین نظریه، هر کشور کالاهایی را صادر خواهد کرد که برای تولید آنها از منابع پر وفور خود نسبتاً به مقدار زیاد استفاده کرده است و کالاهایی را وارد خواهد کرد که عوامل تولید آنها در کشور کمیاب هستند (اسپنسر،^۱ ۱۹۹۸).

نخستین کسی که نظریهٔ هکشر-اوهلین را به بوتهٔ آزمایش گذاشت، لئونتیف بود که برای آزمون فوق نسبت سرمایه به تولید و نیروی کار برای صادرات و واردات امریکا محاسبه نمود. هاربرلر نظریهٔ تقسیم کار ناقص را مطرح کرد و عقیده داشت که تقسیم کار بین‌الملل و نیز تجارت بین‌المللی، به هر کشوری که وارد اقتصاد جهانی شود تواناییهای لازم را می‌بخشد تا قادر به تخصص در تولید کالاهایی باشد که تولید و صدور آنها به نحو بهتر و ارزانتر امکان‌پذیر است. در نظر وی تقسیم کار بین‌المللی و تجارت جهانی از جمله عوامل اساسی فراهم‌آوری بهزیستی اقتصادی و افزایش درآمد ملی است. هاربرلر معتقد است هر آنچه برای سطح زندگی و درآمدهای ملی یک کشور مناسب باشد، طبعاً برای جریان توسعه اقتصادی نیز مفید خواهد بود (همان منبع).

کشورهای در حال توسعه باید مراحل معینی را طی نمایند تا امکان حضور آنها در بازارهای جهانی فراهم آید. توجه به این نکته ضروری است که منظور از توسعهٔ صادرات گسترش صادرات کالاهای تولیدی است، نه مواد اولیه. تجربهٔ کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که با افزایش صادرات مواد اولیه، تولید (درآمد) ملی کشور افزایش می‌یابد. تجربیات اکثر کشورهای در حال توسعه گواه بر این است که رابطهٔ معناداری بین افزایش صادرات مواد اولیه و رشد پایدار اقتصادی وجود ندارد. البته، شرط لازم برای تحقق این مهم آن است که در کشور، ساختار مناسب اقتصادی، اجتماعی، ثبات اقتصادی سیاسی و مهارتهای مناسب در سطوح و صنایع مختلف وجود داشته باشد. در واقع، تحت این شرایط امکان گسترش صادرات کالاهای غیر نفتی توسط بخش دولتی و خصوصی و حضور کشور در عرصهٔ تجارت جهانی تسریع می‌شود، که به خودی خود بازار ارز از انحصار دولت خارج و به شرایط رقابتی نزدیکتر می‌شود، تا تولیدکنندگان داخلی بتوانند هر چه بیشتر از ظرفیت واحدهای تولیدی خود استفاده نمایند، واردات نیز به

^۱ Spencer

موازات گسترش صادرات، افزایش یابد، تولیدکنندگان داخلی برای حفظ و افزایش توان رقابت خود در بازارهای داخلی و خارجی نسبت به بهبود و ارتقای سطح فناوری مورد استفاده خود تلاش بیشتری انجام دهند (ادوردو و رودریگو،^۱ ۲۰۰۲). بنابراین، دستیابی به سطح بالای صادرات غیرنفتی نیازمند ساختار مناسب اقتصادی، سیاسی و نهادی است.

۲-۱. نهادها

نهاد مفهومی گسترده دارد که به اشکال مختلف تعریف شده است، اما تعریف روشن و قابل سنجشی که بر روی آن اجماع باشد، وجود ندارد. اگر طیف وسیعی از تعریف نهادها که در متون اقتصادی و سیاسی فعلی وجود دارد، در نظر گرفته شود یک سوی این طیف تصور نهادها به عنوان قواعد بازی^۲ در یک جامعه است و تعریف نورث^۳ (۱۳۷۷) از نهاد که بیان می‌کند: «نهادها» نهادها قوانین بازی در جامعه‌اند، یا به عبارتی سنجیده‌تر قیودی هستند وضع شده از جانب بشر که روابط متقابل انسانها با یکدیگر را شکل می‌دهند. در نتیجه نهادها باعث ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند، چه این مبادلات سیاسی باشند چه اقتصادی و اجتماعی. در تعبیر کلی نهادها مشتمل بر باورها، رفتارها، سنتها، ضوابط و مقررات حقوقی‌اند که پیرامون یک هسته اصلی، مجموعه هماهنگی را شکل می‌دهند.» از این لحاظ نهادهای خوب به عنوان ایجادکننده یک ساختار انگیزشی مطرح بوده که باعث کاهش ناطمینانی، تشویق کارایی و بنابراین کمک به بهبود عملکرد اقتصادی می‌شود. در سوی دیگر طیف، رویکرد سازمانی به نهادها مد نظر است و شکل ویژه‌ای به مفهوم کلی نهادها داده می‌شود که طرحهای سازمانی و رویه‌ای و چارچوبهای مقرراتی خاص را شامل می‌شود. چنین نهادهایی به واسطه تسریع انتخابهای سیاسی بهتر عملکرد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. طرحهایی مانند استقلال بانک مرکزی، اطلاعات بودجه‌ای متوازن شده، طرح توافقات تجاری بین‌المللی در این طیف از تعارف نهادی می‌گنجد (عیسی‌زاده و احمدزاده، ۱۳۸۸).

می‌توان بین سه شکل از نهادها، نهادهای سیاسی، نهادهای اقتصادی و نهادهای اجتماعی تفاوت قایل شد. نهادهای سیاسی شامل نوع حکومت، قدرت تخصیص داده شده و محدودیتهای اعمال شده روی سیاستگذاران و نخبگان سیاسی است که می‌توان آن را با شاخصهایی همچون نوع و کیفیت قوانین، میزان فساد در دستگاههای دولتی و کارایی سازمانها و نهادهای دولتی نشان داد. نهادهای اقتصادی خود توسط نهادهای سیاسی و به طور کلی توسط نهادهای اجتماعی شکل یافته‌اند و نهادهای اجتماعی رسمی و غیررسمی در یک جامعه وجود دارد که

¹ Eduardo and Rodrigo

² The Rule of the Game

³ North

می توان به آموزش، بهداشت، حمایت از شهروندان فقیر، آداب و رسوم اشاره کرد که در شکل دادن محیط اقتصادی نقشی مهم دارند (بنسن و همکاران،^۱ ۲۰۰۵).

نخستین مشکلی که هنگام تلاش برای ارزیابی اثر نهادها بر عملکرد اقتصادی وجود دارد این است که اندازه‌گیری و تعریف نهادها به شکل ساده و قابل فهم نبوده و یک تعریف خاص ممکن است نتایجی خاص به دنبال داشته باشد. در عمل حداقل سه رویکرد اصلی برای سنجش و اندازه‌گیری نهادها وجود دارد:

رویکرد اول، بررسی بر اساس پرسشهایی از سرمایه‌گذاران بین‌المللی است. این پرسشها مواردی مانند ریسک (خطر) مصادره سرمایه‌ها توسط دولت، فساد و خطر رد قراردادهای از سوی دولت را بیان می‌کنند. پایگاه داده‌های راهنمای خطر کشوری در سطح بین‌المللی^۲ (ICRG) به این طریق جمع‌آوری شده است. ناک و کفر^۳ (۱۹۹۵) و عاصم اوغلو و همکاران^۴ (۲۰۰۱) داده‌های مربوط به پایگاه داده راهنمای خطر کشوری در سطح بین‌المللی و واحد اطلاعات خطر محیط تجاری^۵ (BERI) را جهت بررسی اثر نهادها بر رشد مورد استفاده قرار داده‌اند.

رویکرد دوم بر کارایی نهادهایی که قدرت در یک کشور از مجرای آنها اعمال می‌شود، مورد بحث قرار می‌گیرند. پژوهشگران بانک جهانی تلاش کرده‌اند تا یافته‌های مؤسسه‌های چون بنیاد هریتج و واحد اطلاعات اقتصاددانان^۶ را در مورد شاخصهای پیشنهادی آنها برای تفسیر وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور با یکدیگر ادغام و شاخصهای کلی تحت عنوان شاخصهای حکمرانی معرفی کنند. از مهمترین این شاخصها که ساختار نهادی کشور را منعکس می‌کنند، می‌توان به شاخصهای کارایی دولت، کیفیت قوانین و حاکمیت آن و کنترل فساد اشاره کرد. در بسیاری از مطالعات، از شاخصهای مذکور برای ارزیابی اثر نهادها بر متغیرهای کلان اقتصادی کشورها استفاده شده است، به طوری که در مقایسه با دو رویکرد دیگر از جایگاه و اعتبار بیشتری در مطالعات تجربی برخوردار است. به همین دلیل در این تحقیق به پیروی از مطالعات تجربی که برخی از آنها در پیشینه تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد، از شاخصهای مذکور به منظور نشان دادن تأثیر نهادها استفاده می‌شود.

رویکرد سوم تلاش دارد بیشتر روی نهادهای پایدار تمرکز داشته باشد. به دنبال این رویکرد محدودیتهای سیاسی ویژه توسط تعدادی از روشها اندازه‌گیری شده‌اند. برای نمونه شاخص

^۱ Bennesen et al.

^۲ International Country Risk Guide (ICRG)

^۳ Nack and Keffer

^۴ Acemoglu et al.

^۵ Business Environment Risk Intelligence (BERI)

^۶ Economic Entilgent Unit (EIU)

دموکراسی بیانگر وجود نهادها و روشهایی است که به واسطه آن شهروندان می‌توانند دیدگاههای مستقل خود را در مورد سیاستها و سیاستمداران مختلف اظهار کنند. همچنین محدودیتهای در مورد اینکه مجریان قانون چگونه می‌توانند قدرتشان را اعمال کنند و تضمین آزادیهای مدنی برای تمام شهروندان در زندگی روزمره و فعالیتهای سیاسی (عیسی‌زاده و احمدزاده، ۱۳۸۸).

با توجه با اینکه طیفی از نظریه‌هایی وجود دارد که بر نقش مؤثر و بسزایی عوامل قیمتی تأکید می‌کنند و اعتقاد دارند که متغیرهای قیمتی این توانایی را دارند که عوامل و شرایط غیرقیمتی را تأمین کنند، در حالی که در واقعیت بررسیها نشان می‌دهد که متغیرهای قیمتی موفق به توضیح تمام تغییرات لازم ایجاد شده در عملکرد صادرات نیستند، بنابراین نظریات جدید اقتصادی مطرح می‌شوند که بر متغیرهای غیرقیمتی تأکید دارند. از این نظریات می‌توان به نظریه پیشرفت فناوری در تجارت اشاره کرد که بر اساس آن فناوری نقش اساسی در شکل دادن به فعالیتهای اقتصادی دارد. فناوری مرتبط با نهادهاست زیرا بر اساس نظر پوزنر^۱ (۱۹۶۱) مودی و یلماز^۲ (۲۰۰۲)، دانش فناوری را تولید می‌کند زیرا در صورتی که در اقتصاد نهادهای قانونی و اجتماعی مناسب ایجاد شود، دانش حالت درونزا پیدا می‌کند، کیفیت نهادینه شده و نوآوری و ابداع به طور خودافزا رشد می‌کند و صادرات افزایش می‌یابد. لذا، وجود نهادهای قانونی و اجتماعی مناسب به ایجاد شرایط و بستریهای لازم در جهت افزایش صادرات منجر می‌شود (کو، هلیمن و هافمستر،^۳ ۲۰۰۹). بنابراین، عوامل نهادی مکمل عوامل قیمتی است و می‌توان گفت که عوامل نهادی، زمینه ساز کارکرد خوب متغیرهای قیمتی است. در بسیاری از مطالعات محققان عوامل نهادی را وارد تابع صادرات کرده‌اند، از این دسته مطالعات می‌توان به لاواله^۴ (۲۰۰۵)، گالیوم مئون و سكات^۵ (۲۰۰۶)، گانی و پراساد^۶ (۲۰۰۶)، جانسن و نورداس^۷ نورداس^۷ (۲۰۰۳)، فرانکیس و مانچین^۸ (۲۰۰۷)، کو، هلیمن و هافمستر (۲۰۰۹)، کرابه و بین^۹ بین^۹ (۲۰۰۹) و پرابیر^{۱۰} (۲۰۱۰) اشاره کرد که هر یک تعدادی از شاخصهای نهادی را وارد تابع صادرات کرده‌اند.

^۱ Posner

^۲ Mody and Yilmaz

^۳ Coe, Helpman and Hoffmaister

^۴ Lavallée

^۵ Guillaume Meon and Sekkat

^۶ Gani and Prasad

^۷ Jansen and Nordas

^۸ Francois and Manchin

^۹ Crabbe and Beine

^{۱۰} Prabir

در این مطالعه به پیروی از مطالعات تجربی گذشته برای نشان دادن اثر نهادها بر صادرات غیرنفتی از چهار شاخص استفاده می‌شود که به دلیل همبستگی بالای این شاخصها با یکدیگر هریک به طور جداگانه وارد مدل می‌شوند. شاخصهای نشان دهنده نهادها که مورد استفاده در این تحقیق هستند، عبارتند از:

کارایی و اثربخشی دولت: کارایی دولت مستلزم وجود دستگاه اداری کارآمد و بهینه در کشور است. چنین دستگاهی پاسخگوی نیازهای آحاد ملت، موج عدالت اجتماعی، متضمن دستیابی همگان به خدمات با کیفیت (مانند آموزش و بهداشت) و سرمایه‌های تولیدی و ایجاد محیطی مطمئن برای توسعه مردم محور و پایدار خواهد بود. در دیدگاه مطلوب نهادگرایان، دولت عبارت از دولتی کارآمد و شفاف است که با نهادسازی مناسب، توسعه را به سمت جلو هدایت می‌کند، حقوق مالکیت را پاس می‌دارد، مانع فعالیت رانت خواران سودجو می‌شود و با تنظیم قوانین و مقررات مناسب هزینه مبادلات افراد را کاهش می‌دهد. برای محاسبه شاخص کارایی دولت گروهی از شاخصهای مرتبط از قبیل کیفیت خدمات عمومی، چگونگی بوروکراسی و تشریفات اداری کارمندان دولتی، نبود وابستگی خدمات اجتماعی به فشارهای سیاسی و میزان تعهد دولت به اجرای سیاستها در نظر گرفته می‌شود (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰).

بار مالی و کیفیت مقررات: قانون یکی از ابزارهای اصلی مداخله دولت در اقتصاد است. از دید نهادگرایان دولت و بازار مکمل یکدیگر بوده و دولت به عنوان نهاد فراگیر و با ابزار حقوق و از طریق وضع قوانین می‌تواند نهادهای جدیدی تعریف، تأسیس و مستقر کند. همچنین دولت با تصویب قوانین مناسب می‌تواند نقش چشمگیری در بسترسازی لازم برای کارکرد مناسب سایر نهادها و نیز کارکرد بازار در اقتصاد داشته باشد. جامعه توسعه یافته جامعه‌ای است که قانون در آن حد بهینه، تولید شده باشد. نه چندان کم که رفتارهای بی قاعده و پر هزینه امور جامعه را مختل کند و نه چندان فراوان که راه بر انتخاب بهینه افراد بسته شود (رنانی، ۱۳۸۳). کیفیت قوانین و مقررات مواردی چون نکات زیر را در برمی‌گیرد. تنظیم قوانین اختلال زا در بازار مانند کنترل قیمتها، ایجاد موانع غیراصولی و دست و پاگیر در صادرات و واردات، محدودیتهای زاید در بازار سهام، محدودیتهای تأسیس یک بنگاه اقتصادی جدید، مقررات دست و پاگیر برای تبدیل ارز و موارد مشابه که هر یک به عنوان مانعی برای توسعه اقتصادی مطرح هستند.

حاکمیت قانون: تعریف سازمان ملل از حاکمیت قانون به اصول حاکمیت اشاره دارد که در آن همه افراد و نهادهای خصوصی و دولتی (شامل خود دولت) در برابر قوانین پاسخگو هستند. قوانینی که به طور عمودی منتشر شده‌اند، به طور مستقل حکم می‌شوند و در ضمن سازگار با حقوق بشر بین‌المللی هستند. بر اساس تعریف بانک جهانی حاکمیت قانون به دنبال محدود

کردن قدرت دولت و محافظت از حقوق شهروندان در مقابل سوءاستفاده یا استفاده خودسرانه از قدرتش است. حاکمیت قانون تنها قواعد و مقرراتی نیست که توسط قانون وضع می‌شود، بلکه تضمینی است برای آزادی، حقوق بشر و رفتاری یکسان با شهروندان در برابر قانون (استالپر و همکاران،^۱ ۲۰۰۶). از ملاکهای اندازه‌گیری شاخص حاکمیت قانون می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: هزینه‌های جرم و جنایت، فساد در نظام بانکی، گستردگی بازار سیاه، استقلال نظام قضایی، اعتماد به نظام قضایی، کارایی نیروهای امنیتی و ...

کنترل فساد: نشان دهنده کنترل فساد در مدیران و مقامات رسمی، فساد در خدمات عمومی، پرداخت رشوه، زد و بندهای اقتصادی و اختلاس است.

۲-۲. کانالهای اثرگذاری نهادها بر صادرات غیرنفتی

کارایی و اثربخشی دولت

دیوان سالاری شایسته می‌تواند به کارآفرینان منفرد کمک کند تا از پس مشکلات هماهنگی که ممکن است بویژه در برانگیختن فعالیتهای جدید حیاتی باشد، برآید (مؤمنی، ۱۳۸۶). در صورت توانمند بودن دولت، اجرای بدون تأخیر پروژه‌ها و ایجاد زیرساختها و ساز و کارهای لازم برای سرمایه‌گذاری در بخشهای مولد، فراهم آوردن تسهیلات و مشوقها برای سرمایه‌گذاری صنعتی، حمایت از صنایع نوین، دولت تأثیر بسزایی در توسعه و گسترش صادرات غیرنفتی خواهد داشت. همچنین نهادهای دولتی کارا با به وجود آوردن ثبات و ساختار مناسب در روابط میان اقشار مختلف تجاری زمینه ساز و باعث کاهش هزینه مبادله، کاهش خطر و ناطمینانی و همچنین سبب افزایش اندازه بازار و در نهایت منجر به افزایش صادرات می‌شوند.

کیفیت قوانین و مقررات

دنیای واقعی، دنیای بدون اصطکاکی نیست و نهادهای حاکم بر جامعه تأثیر بسزایی بر منافع و هزینه‌های فعالیت اقتصادی دارند. قوانین و مقررات مطلوب و کارآمد، یکی از مهمترین نهادهایی است که می‌تواند بر عملکرد اقتصادی جوامع تأثیر بگذارد. قوانین و مقررات اختلال‌زا در مسیر راه اندازی کسب و کار به اشکالی چون مجوزها و موافقت نامه‌های دولتی دست و پاگیر، قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت بنگاههای خصوصی، چون قانون کار، محدودیتهای تجاری، بار مالیاتی بالا، هزینه اولیه پروژه‌های سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد (برادران شرکاء و ملک ساداتی، ۱۳۸۵).

¹ Stolper et al.

بالا رفتن هزینه اولیه سرمایه‌گذاری به کاهش سرمایه‌گذاری و تولید منجر خواهد شد و این امر اثر سوء بر صادرات می‌گذارد. همچنین اگر قانون با کیفیت و بهینه باشد و قانونگذار آن را در جهت بهبود حق مالکیت، ساختار نظام حقوقی و آموزشی تدوین و تصویب نماید منجر به بهبود سرمایه انسانی و در نتیجه ارتقای سرمایه انسانی و حقوق مالکیت منجر به توسعه اقتصادی و افزایش صادرات غیر نفتی می‌گردد.

حاکمیت قانون

حاکمیت قانون از طریق توسعه کسب و کار و ایجاد بستر و فضای مناسب برای کارآفرینی می‌تواند باعث جلب نظر سرمایه‌گذاران شود. کشورهایی که توسط حاکمیت قانون اداره می‌شوند موانع کمی برای ورود به سیستم رسمی وضع می‌کنند، اما در کشورهای در حال توسعه که اصل حاکمیت قانون در آنها اجرا نمی‌شود، موانع زیادی برای کارآفرینان برای حرکت از وضعیت غیر قانونی به کسب و کار منسجم وجود دارد و اکثر کارآفرینی‌های کوچک در بخشهای غیررسمی فعال هستند (استالپر و همکاران، ۲۰۰۶). وقتی این امکان وجود دارد که شریک تجاری افراد از قراردادهای پیروی نکنند میزان خطر افزایش می‌یابد و گسترش تولید کمتر خواهد بود (هاگارد و همکاران،^۱ ۲۰۰۸). بنابراین، حاکمیت قانون از طریق حمایت از حق مالکیت و پشتیبانی مطمئن برای اجرای دقیق قراردادهای باعث ایجاد اطمینان و انگیزه برای سرمایه‌گذاران می‌شود و جذب سرمایه را افزایش می‌دهد. از طرفی قانون و نهادهای خوب بازارها را تقویت می‌کنند چرا که هر مبادله‌ای در بازار نیازمند ساختاری قانونی است که متضمن به رسمیت شناختن حقوق مالکیت خریداران و فروشندگان است (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰). و همین امر سبب توسعه و افزایش اندازه بازار می‌شود و در نهایت سبب بهبود جذب سرمایه‌های خارجی، افزایش تولید و بهبود صادرات غیرنفتی خواهد شد.

کنترل فساد

بررسی کشورهایی با دولتهای مسلط و ناپاسخگو و حساب ناپذیر نشان می‌دهد که فساد اداری و مالی در این کشورها بالا می‌رود. فساد به معنای استفاده از قدرت عمومی در جهت تأمین منافع شخصی یا گروهی، آثار زیانباری بر رشد اقتصادی دارد. وجود فساد باعث تخصیص غیربهینه استعدادهای جامعه می‌گردد (برادران شرکاء و ملک ساداتی، ۱۳۸۵). فساد به مقامات رسمی اجازه می‌دهد به طور مخفیانه و سلیقه‌ای منافع خصوصی کسب کنند. بنابراین، آنها می‌دانند که هر چه انعطاف ناپذیری بیشتری تحمیل نمایند، فرصت بیشتری برای کسب رشوه دارند. بدین

¹ Haggard et al.

ترتیب، کارگزاران دولتی نه تنها اقدام به ایفای نقش مورد انتظار یعنی رفع نواقص بازار نخواهند کرد، بلکه نواقص بیشتری نیز در بازارها ایجاد خواهند کرد. در چنین محیطی بنگاههای جدید بالقوه مجبورند برای ثبت و شروع عملیات خود رشوه پرداخت کنند، اغلب تصمیم می‌گیرند وارد بازار نشوند، که در نتیجه رقابت کاهش خواهد یافت (آکای^۱، ۲۰۰۵). همچنین فساد فراگیر باعث می‌شود مشروعیت حکومت از بین برود و تضعیف حکومت و دولت سبب ناکارآمد شدن حکومت در جهت ایجاد نهادهای حمایت‌کننده از بازار می‌شود و اگر بنگاهها قادر باشند (از طریق رشوه و ...) در تصمیم‌گیریهای دولت دخالت کنند و اصلاحات را به نفع خودشان تغییر دهند، مانع اجرای شفاف قوانین و مقررات و رقابتی شدن بازار می‌شوند و در نهایت، تأثیر منفی بر صادرات خواهد گذاشت. در ادامه برخی از مطالعات تجربی بررسی می‌شود:

هاتاگر و مگی^۲ (۱۹۶۹) در تحقیقی بیان می‌کنند که تقاضا برای صادرات در هر کشور تابعی از درآمد کشورهای واردکننده محصولات کشور مورد نظر، قیمت کالاهای صادراتی در داخل و قیمت کالاهای جانشین آنها در کشورهای واردکننده در نظر گرفته شده است. خان و نایت^۳ (۱۹۸۰) در مطالعه تجربی رابطه محدودیت وارداتی و عملکرد صادرات ۳۴ کشور در حال توسعه را بررسی کرده‌اند. در این مطالعه عرضه صادرات در هر دوره تابعی از متغیرهای واردات، تولید ناخالص داخلی، نسبت قیمت کالاهای صادراتی به قیمت کالاهای داخلی آن دوره و عرضه صادرات دوره قبل در نظر گرفته شده است. همچنین متغیرهای درآمد کشورهای واردکننده، شاخص قیمت صادراتی کشور صادرکننده، شاخص قیمت کالاهای جانشین در کشورهای واردکننده و ارزش صادرات دوره قبل به عنوان متغیرهای توضیحی برای تابع تقاضای صادرات معرفی شده‌اند.

باند^۴ (۱۹۸۷) به بررسی عملکرد صادرات کشورهای در حال توسعه با تأکید بر صادرات کالاهای اولیه پرداخته است. در این مطالعه، تقاضا و عرضه صادرات هر کالا تابعی از متغیرهای سطح قیمت داخلی، قیمت کالاهای صادراتی، درآمد کشورهای واردکننده، نرخ ارز، شاخص ظرفیت بهره‌وری کل و تکانه (شوگ)های عرضه در نظر گرفته شده است.

جانسن و نورداس (۲۰۰۳) در تحقیقی اهمیت کیفیت نهادها و زیرساختها بر جریان تجارت را بررسی کردند و این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کنند که حاکمیت قانون و کیفیت زیرساختها تأثیر

^۱ Akai

^۲ Houthakker and Magee

^۳ Khan and Knight

^۴ Bond

مثبت و معناداری بر توسعه تجارت و صادرات داشته و درجه اثرگذاری آزادی تجاری بر تجارت، تابع کیفیت زیرساختها و نهادها است.

اوکو و رزماری^۱ (۲۰۰۴) اثر آزادسازی تجاری بر رشد صادرات غیرنفتی نیجریه را بررسی کرده است. وی در مدل پیشنهادی خود که مدل تصحیح خطای برداری نام دارد، تأثیر عواملی همچون رشد درآمد جهانی، قیمت‌های نسبی و بویژه واردات کالاهای سرمایه‌ای را بررسی می‌نماید. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که رشد صادرات غیرنفتی در این کشور پس از قرار گرفتن در فرآیند جهانی شدن در کوتاه مدت بیشتر از بلند مدت است. در هر حال گذشته از میزان تأثیرگذاری، مثبت یا منفی بودن آن بیشتر مد نظر است که نتایج مثبت آن قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد، رشد واردات کالاهای سرمایه‌ای در این جریان، رشد صادرات غیرنفتی را تسریع می‌بخشد.

عاصم اوغلو، جانسون و رایبسون^۲ (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر نهادها بر رشد اقتصادی اروپای غربی می‌پردازند و بیان می‌دارند که این کشورها با اعمال تغییرات نهادی نظیر ایجاد امنیت و تأمین حقوق مالکیت به طور مستقیم و غیر مستقیم صادرات خود را بهبود می‌بخشند. لاواله (۲۰۰۵) در تحقیقی ارتباط میان حکمرانی، فساد و تجارت را بررسی کرده و نتایج تحقیق وی نشان دهنده تأثیر مثبت و معنادار کنترل فساد بر صادرات صنعتی ۹۵ کشور در حال توسعه و ۲۱ کشور OECD است.

گالیوم مئون و سكات (۲۰۰۶) اثر کیفیت نهادها بر صادرات صنعتی را بررسی کرده‌اند، نتایج حاصل از برآورد الگوهای تحقیق آنها به روش داده‌های تابلویی نشان دهنده این است که شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی اثر منفی و معنادار بر صادرات صنعتی دارد. در مطالعه گانی و پراساد (۲۰۰۶) اثر منفی شاخص کارایی و اثربخشی دولت و شاخص حاکمیت قانون و اثر مثبت شاخص کنترل فساد بر صادرات تأیید شده است.

فرانکیس و مانچین (۲۰۰۷) بیان می‌دارند کیفیت نهادها و زیرساختها نقشی مهم در توسعه صادرات دارد. کو، هلپمن و هافمستر (۲۰۰۹) بیان می‌کنند در کشورهای OECD بهبود متغیرهای نهادی نظیر حاکمیت قانون، حق ثبت اختراع و کیفیت نظام به طور غیرمستقیم منجر به افزایش قدرت رقابت پذیری در آنها می‌شود و توسعه صادرات را سرعت می‌بخشد.

کراپه و بین (۲۰۰۹) نقش اصلاحات نهادی را در صادرات ۱۳ کشور اروپای مرکزی طی دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ مورد بررسی قرار داد، نتایج تحقیق آن دو نشان دهنده اثر مثبت اصلاح سازمانها و اصلاح سیاست رقابت بر صادرات است.

¹ Okoh and Rosemary

² Asemoglu, Johnson and Robinson

کناک^۱ (۲۰۰۳)، فنگ^۲ (۲۰۰۳) در مورد نهادهای حاکمیتی تحقیقاتی انجام داده‌اند و بر این نتیجه متفقند که بهبود شاخصهای حاکمیت و کنترل فساد اثرهای مستقیمی بر توسعه اقتصادی و انسانی دارد. بوتکویک و همکاران^۳ (۲۰۰۶) اثر حاکمیت قانون و دموکراسی را بر رشد اقتصادی بررسی کردند و دریافتند که هر دو شاخص اثر مثبت بر رشد دارند.

نوفرستی و عرب مازار (۱۳۷۳) متغیرهای توضیحی صادرات غیرنفتی را تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز آزاد و مصرف واقعی می‌دانند. پاکدامن (۱۳۷۷) صادرات را تابعی از عوامل اقتصادی نظیر رشد، توزیع درآمد، نرخ ارز و نرخ تورم؛ عوامل فنی نظیر: فناوری، نیروی کار ماهر، مدیریت؛ عوامل اجتماعی و فرهنگی نظیر: الگوی مصرف، رشد جمعیت؛ عوامل حقوقی سیاسی نظیر: ثبات سیاسی، نظام حقوقی، قوانین و مقررات می‌داند. او در مطالعه خود به این نتیجه رسیده است که سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت بر صادرات غیرنفتی دارد.

شاگری (۱۳۸۳) در مطالعه خود با عنوان عوامل مؤثر بر صادرات غیرنفتی ایران، صادرات غیرنفتی را تابعی از قیمت دلار آمریکا در بازار آزاد، نرخ تورم، بهره‌وری نیروی کار و سنجه رقابت پذیری معرفی می‌کند. شاه آبادی و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به بررسی عوامل نهادی بر صادرات غیرنفتی کشورهای عضو گروه D۸ پرداختند. نتایج تحقیق آنها که با استفاده از روش اقتصاد سنجی داده‌های تابلویی، برای دوره زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۷ صورت گرفته نشان دهنده این است که عوامل نهادی در افزایش اثرگذاری عواملی مانند انباشت تحقیق و توسعه داخلی و توسعه خارجی و سرمایه‌انسانی بر صادرات غیرنفتی اثرگذار است.

۳. ارائه مدل

در این مطالعه به منظور بررسی اثر نهادها بر صادرات غیرنفتی کشورهای منتخب از الگوی داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. چرا که با توجه به محدودیت‌های موجود در استفاده از مدل‌های سری زمانی در دوره‌های کوتاه‌مدت همچون محدودیت‌های آماری و همچنین تلفیق مقاطع و کشورهای مختلف، استفاده از روش داده‌های تابلویی^۴ روشی مفید برای تلفیق داده‌ها در مقاطع و گروه‌های مختلف محسوب می‌شود. صورت کلی مدل داده‌های تابلویی به صورت زیر است:

$$Y_{it} = \alpha + \beta_{it}X_{it} + U_{it} \quad (1)$$

^۱ Knack

^۲ Feng

^۳ Butkiewicz et al.

^۴ Panel Data

Y_{it} متغیر وابسته برای آمین واحد مقطعی در سال t و X_{it} نیز متغیر مستقل غیرتصادفی برای آمین واحد مقطعی در سال t و U_{it} جزء اخلاص الگوست که نماینده متغیرهایی است که مستقیماً در الگو وارد نشده‌اند. $i = 1, 2, \dots, n$ نشان دهنده واحدهای مقطعی (مثلاً کشورها) و $t = 1, 2, \dots, T$ به زمان اشاره دارد. می‌توان گفت: $U_{it} = \mu_i + \lambda_t + \varepsilon_{it}$ که در این معادله ε_{it} جزء اخلاص دارای توزیع نرمال با میانگین صفر و واریانس σ^2 است. μ_i بیانگر تفاوت‌های موجود بین مقاطع بوده و ثابت یا تصادفی بودن توزیع آن منجر به تعیین شکل الگو به ترتیب در قالب اثرهای ثابت یا تصادفی می‌شود. λ_t نیز نشان‌دهنده وجود اثرهای زمانی در الگو است که منطبق با آن دو حالت یک طرفه ($\lambda_t = 0$) و دو طرفه ($\lambda_t \neq 0$) برای الگو تحقق می‌یابد (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰). مزایای استفاده از داده‌های تابلویی نسبت به داده‌های مقطعی و سری زمانی این است که در این روش وجود ناهمسانی واریانس محدود می‌شود، تورش به حداقل می‌رسد، از طرفی در چنین حالتی داده‌ها به منظور مطالعه پویای تغییرات، مناسبتر هستند و با این داده‌ها می‌توان مدل‌های رفتاری پیچیده‌تری را مطالعه نمود.

هاروی^۱ (۱۹۹۰) بیان می‌کند یک مدل هیچ‌گاه قادر به توصیف دقیق واقعیت (آن‌طور که هست) نیست، یعنی برای توصیف دقیق واقعیت مجبور خواهیم بود چنان مدل پیچیده‌ای را ارائه کنیم که فاقد کوچکترین ارزش علمی است. ساده‌سازی و تجرید در هر برنامه مدلسازی اجتناب‌ناپذیر است. همچنین فریدمن می‌گوید: یک فرضیه (مدل) زمانی با ارزش و مهم خواهد بود که مقدار زیادی از تغییرات را به وسیله تعداد کمی از متغیرها توضیح دهد. این بیان دال بر این است که می‌بایست برای دریافتن اساسی پدیده تحت مطالعه، تنها متغیرهای کلیدی را در تحلیل وارد نمود و بدین وسیله تمام اثرهای تصادفی و جزئی را به جزء اخلاص محول کرد (گجراتی، ۱۳۹۰). با توجه به مباحث نظری و با پیروی از گالیوم و سكات (۲۰۰۶)، گانی و پراساد (۲۰۰۶) و جانسن و نورداس (۲۰۰۳) اقدام به ارائه مدلی برای تابع صادرات غیرنفتی گردیده که الگوی تجربی تحقیق به صورت زیر معرفی می‌شود:

$$LEX_{it} = F(LRE_{it}, INF_{it}, LPGDP_{it}, GE_{it}) \quad (2)$$

$$LEX_{it} = \beta_0 + \beta_1 RE_{it} + \beta_2 INF_{it} + \beta_3 LGDP_{it} + \beta_4 GE_{it} + \varepsilon_{it}$$

LEX لگاریتم طبیعی صادرات غیرنفتی را نشان می‌دهد که از تقسیم صادرات غیرنفتی بر شاخص قیمت^۲ به دست آمده است. RE نرخ ارز مؤثر حقیقی^۱ و INF نرخ تورم است. همچنین

^۱ Harvy

^۲ Consumer Price Index (CPI)

LGDP نشان‌دهنده لگاریتم طبیعی تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت و بر حسب برابری قدرت خرید^۲ و GE بیانگر شاخص کارایی و اثربخشی دولت است.

تمامی متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۰۵ هستند. ε_{it} بیانگر جزء خطاست. i نشان‌دهنده مقاطع یا کشورهاست و t زمان را نشان می‌دهد. برای برآورد الگوی معرفی شده تحقیق، داده‌ها برای کشورهای عضو OPEC طی ۱۰ سال از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ جمع آوری شده است. مأخذ داده‌های آماری صادرات غیرنفتی، نرخ تورم و میزان تولید ناخالص داخلی به صورت برابری قدرت خرید، (WDI(2011 است. همچنین مأخذ آماری شاخصهای نهادی شامل کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین، کنترل فساد و حاکمیت قانون بانک جهانی است (بانک جهانی، ۲۰۰۱)^۳

۳-۱. نتایج برآورد الگو و تفسیر نتایج

ابتدا مدل با وجود شاخص کارایی و اثربخشی دولت برآورد می‌شود، سپس تک تک شاخصهای نشان‌دهنده نهادها وارد مدل شده (به صورت تکی) و جداگانه مدل برآورد می‌شود، بدین ترتیب ۴ الگوی متفاوت برآورد می‌شود:

الگوی اول: GE نشان‌دهنده اثر بخشی دولت است.

$$LEX_{it} = \beta_0 + \beta_1 RE_{it} + \beta_2 INF_{it} + \beta_3 LGDP_{it} + \beta_4 GE_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۳)$$

الگوی دوم: RQ نشان‌دهنده کیفیت قانون و بار مالی مقررات است.

$$LEX_{it} = \beta_0 + \beta_1 RE_{it} + \beta_2 INF_{it} + \beta_3 LGDP_{it} + \beta_4 RQ_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۴)$$

الگوی سوم: RL نشان‌دهنده حاکمیت قانون است.

$$LEX_{it} = \beta_0 + \beta_1 RE_{it} + \beta_2 INF_{it} + \beta_3 LGDP_{it} + \beta_4 RL_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۵)$$

^۱ آمار نرخ ارز مؤثر حقیقی در این تحقیق از صندوق بین المللی پول استخراج شده است. نحوه محاسبه نرخ ارز مؤثر حقیقی بر اساس شاخص قیمت مصرف کننده برای کشور i به صورت زیر است:

$$REER(i) = \prod_{j \neq i} \left(\frac{E_i CPI_j}{E_j CPI_i} \right)^{w_{ij}}$$

که در آن E_i نشان‌دهنده نرخ اسمی ارز برای کشور i و E_j نشان‌دهنده نرخ اسمی ارز برای کشورهای شریک عمده تجاری کشور i است. CPI_i شاخص قیمت‌های مصرف کننده یا شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی کشور i و CPI_j شاخص قیمت‌های مصرف کننده در کشورهای شریک عمده تجاری کشور i است و w_{ij} وزن شرکای عمده تجاری کشور i است.

^۲ Purchasing Power Parity (PPP)

^۳ World Bank, Good Governance Matter

و الگوی چهارم: CC نشان‌دهنده کنترل فساد است.

$$LEX_{it} = \beta_0 + \beta_1 RE_{it} + \beta_2 INF_{it} + \beta_3 LGDP_{it} + \beta_4 CC_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۶)$$

۳-۱-۱. آزمون ریشه واحد^۱

پیش از برآورد تأثیر متغیرهای مورد نظر بر صادرات غیر نفتی لازم است پایایی تمام متغیرهای مورد استفاده در تخمینها آزمون گردد. برخلاف آنچه در مورد داده‌های سری زمانی مرسوم است، در مورد داده‌های تابلویی نمی‌توان برای آزمون پایایی از آزمونهای دیکی فولر و دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) بهره جست، بلکه لازم است به نحوی پایایی متغیرها مورد آزمون قرار گیرد. برای این منظور از آزمون لوین، لین و چو (LLC) مختص داده‌های تابلویی استفاده می‌شود که نتایج آن برای تمامی متغیرهای مدل در جدول ۱ آمده است.

جدول زیر نتایج آزمون ریشه واحد را برای متغیرهای مورد استفاده در تخمین نشان می‌دهد. فرضیه صفر آزمون LLC بیانگر ناپایایی متغیرهاست. لذا، چنانچه مقدار آماره محاسبه شده بزرگتر از مقدار مربوط به سطح اطمینان رایج باشد، فرضیه صفر مبتنی بر ناپایایی رد خواهد شد. نتایج جدول ۱ و بررسی مقادیر آماره‌های محاسبه شده و احتمال پذیرش آنها نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر ناپایایی متغیرها رد می‌شود، یعنی همه متغیرهای مدل پایا هستند.

جدول ۱. نتایج آزمون ریشه واحد لوین لین چو (LLC)

| متغیر | آماره | سطح احتمال |
|-------|--------|------------|
| LEX | -۴/۹۱۵ | ۰/۰۰۰ |
| LGDP | -۴/۵۳۴ | ۰/۰۰۰ |
| RE | -۳/۰۱۵ | ۰/۰۰۱ |
| INF | -۳/۹۴۳ | ۰/۰۰۰ |
| GE | -۴/۷۴۱ | ۰/۰۰۰ |
| RL | -۲/۸۶۳ | ۰/۰۰۲ |
| RQ | -۱/۵۷۷ | ۰/۰۵۷ |
| CC | -۴/۹۶۶ | ۰/۰۰۰ |

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

^۱ Unit Root Test

۳-۱-۲. برآورد ضرایب

قبل از برآورد ضرایب، برای انتخاب بین روش داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی از آزمون F لیمر استفاده شده است. فرضیه صفر این آزمون بیانگر انتخاب روش داده‌های تلفیقی و اولویت آن نسبت به داده‌های تابلویی است. با توجه به مقدار F گزارش شده در جدول ۲ فرضیه صفر برای تمامی الگوها رد می‌شود، بنابراین، می‌توان برای برآورد همه الگوها از روش داده‌های تابلویی استفاده کرد. سپس برای تعیین روش تخمین از آزمون هاسمن^۱ استفاده شده است که فرضیه صفر آن دال بر تأیید وجود اثرهای تصادفی در مدل است. با توجه به نتایج آزمون هاسمن در جدول ۲، فرضیه صفر در الگوهای ۱ و ۳ رد می‌شود، بنابراین لازم است که الگوهای ۱ و ۳ در قالب اثرهای ثابت و الگوهای ۲ و ۴ در قالب اثرهای تصادفی برآورد شوند. برای اطمینان از رفع هرگونه ناهمسانی واریانس، اثرهای ثابت با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) برآورد شده است. نتایج حاصل از تخمین الگوها در جدول ۲ آمده است.

۳-۱-۳. تحلیل نتایج

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۲ در الگوی دوم و چهارم تولید ناخالص داخلی به صورت برابری قدرت خرید تأثیر مثبت و معنادار بر صادرات غیرنفتی دارد، یعنی با افزایش GDP صادرات غیرنفتی افزایش داشته است. این نتیجه همسو با نتیجه مطالعه لاواله (۲۰۰۵) است. در بقیه الگوها ضریب GDP معنادار نیست. نرخ تورم نیز در تمام الگوها تأثیر مثبت بر صادرات غیر نفتی داشته چرا که افزایش مداوم سطح عمومی قیمت‌ها و بالا بودن نرخ تورم باعث کاهش یافتن ارزش پول داخلی می‌شود و کاهش ارزش پول داخلی به بیشتر شدن قدرت خرید پول خارجی منجر خواهد شد.

ضریب نرخ ارز مؤثر حقیقی در الگوی دوم تأثیر منفی و معنادار بر صادرات غیرنفتی دارد. این نتیجه همسو با مطالعه صمصامی و توتونچی ملکی (۱۳۸۹) است. در بقیه الگوها ضریب نرخ ارز معنادار نیست که دلیل آن این است که سازوکار بازار در بازار ارز حاکم نیست. شاخص کارایی و اثربخشی دولت با ضریب $-۰/۵۴۰$ تأثیر منفی و معنادار بر صادرات غیرنفتی دارد. تأثیر منفی شاخص کارایی و اثربخشی دولت بر صادرات در مطالعات گانی و پراساد (۲۰۰۶) و پرابیر (۲۰۱۰) در کشورهای در حال توسعه نیز تأیید شده است. دلیل این امر را می‌توان چنین بیان کرد: دولت در کشورهای مورد مطالعه اندازه بهینه را ندارد و ضعف شدید در ساختار نهادی کشورهای مورد مطالعه نمایان است. فاقد مکانیزم (ساز و کار) بازار بودن نرخ ارز شاخص کیفیت

^۱ Hausman Test

قوانین و مقررات نیز با ضریب $-۰/۳۳۱$ اثر منفی و کاملاً معنادار بر صادرات غیرنفتی دارد. مطالعه پرابیر (۲۰۱۰) مؤید این نتیجه است.

جدول ۲. نتایج حاصل از تخمین الگوی ۱ تا ۴

| الگوی ۴ | الگوی ۳ | الگوی ۲ | الگوی ۱ | |
|---------------------------------|-------------------------------|--------------------------------|-------------------------------|-------------|
| $۰/۳۶۶$ ($۰/۵۳۷$) | $۲/۹۵۹^{***}$ ($۳/۵۴۵$) | $۲/۸۴۳^{***}$ ($۵/۹۷۰$) | $۳/۴۱۵^{***}$ ($۲/۹۹۸$) | C |
| $۲/۶۱۲^{***}$ ($۳/۹۸۶$) | $۹/۳۷۶$ ($۰/۸۰۴$) | $۲/۱۸۰^{***}$ ($۲/۷۹۱$) | $۱/۴۲۰$ ($۱/۱۶۰$) | LGDP |
| $-۰/۰۰۲$ ($-۰/۷۹۹$) | $-۰/۰۰۴$ ($-۱/۰۵۱$) | $-۰/۰۰۷^{***}$ ($-۳/۰۳۱$) | $-۰/۰۰۱$ ($-۰/۴۶۲$) | RE |
| $۰/۰۱۲^{***}$ ($۳/۳۴۴$) | $۰/۰۱۱^{***}$ ($۲/۸۴۳$) | $۰/۰۱۰^{***}$ ($۳/۲۷۹$) | $۰/۰۱۰^{**}$ ($۲/۴۹۹$) | INF |
| - | - | - | $-۰/۵۴۰^*$ ($-۱/۷۹۶$) | GE |
| - | - | $-۰/۳۳۱^{***}$ ($-۴/۰۳۱$) | - | RQ |
| - | $-۰/۰۲۸^{**}$ ($-۲/۱۷۶$) | - | - | RL |
| $۰/۲۷۳^*$ ($۱/۷۰۵$) | - | - | - | CC |
| $۶/۱۸۸$ [$۰/۰۰$] | $۸/۰۳۱$ [$۰/۰۰$] | $۳۶/۶۴$ [$۰/۰۰$] | $۸/۲۷۰$ [$۰/۰۰$] | F-limer |
| $۳/۵۰۷$ [$۰/۴۷$] تصادفی | $۱۰/۶۶$ [$۰/۰۳$] ثابت | $۶/۳۵$ [$۰/۱۷$] تصادفی | $۱۰/۸۴$ [$۰/۰۲$] ثابت | Hausman |
| $۰/۳۵$ | $۰/۸۴$ | $۰/۹۳$ | $۰/۸۴$ | R^2 |
| $۰/۳۲$ | $۰/۸۱$ | $۰/۹۲$ | $۰/۸۱$ | \bar{R}^2 |
| $۱۲/۳۲$ [$۰/۰۰$] | $۳۳/۴۷$ [$۰/۰۰$] | $۸۶/۲۲$ [$۰/۰۰$] | $۳۲/۷۶$ [$۰/۰۰$] | F |

توجه:

- اعداد داخل پرانتز آماره t و اعداد داخل کروشه سطح احتمال را نشان می‌دهد.
- علامتهای *، ** و *** به ترتیب نشان‌دهنده معنادار بودن ضرایب در سطوح ۱۰، ۵ و ۱ درصد است.

قاعدتاً با بهبود کیفیت قوانین باید سرمایه‌گذاری و صادرات افزایش یابد، ولی این امر در خصوص کشورهای مورد مطالعه صدق نمی‌کند، زمانی بهبود کیفیت قوانین به بهبود صادرات غیرنفتی منجر خواهد شد که بسترهای لازم در کنار آن وجود داشته باشد.

شاخص حاکمیت قانون با ضریب $0/028$ - اثر منفی و معنادار بر صادرات غیر نفتی دارد. این نتیجه مطابق با نتایج مطالعات محققانی چون گانی و پراساد (۲۰۰۶) و پرابیر (۲۰۱۰) است. پایین بودن کیفیت قوانین، متناسب نبودن قوانین با وضعیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری، فقدان تصحیح و به روزرسانی قانون متناسب با دوره زمانی، طولانی بودن فرآیند اخذ مجوزهای قانونی برای سرمایه‌گذاری و تولید و در نهایت دست و پاگیر بودن قوانین در اجرای طرحهای سرمایه‌گذاری و تولیدی منجر به اثر سوء حاکمیت قانون بر صادرات می‌شود، چرا که هر چه حاکمیت و تسلط قانون ضعیف، بیشتر باشد نه تنها اثر مثبت نمی‌گذارد بلکه تا حدی هر چند کم اثر سوء برجا می‌گذارد.

در مورد الگوی ۴ نتایج نشان‌دهنده این است که شاخص کنترل فساد با ضریب $0/273$ اثر مثبت و معنادار بر صادرات غیرنفتی دارد. همان‌طور که مطابق مبانی نظری انتظار می‌رفت اثر مثبت این شاخص بر صادرات تأیید شد و مطالعات قبلی نظیر لواله (۲۰۰۵)، گانی و پراساد (۲۰۰۶) و پرابیر (۲۰۱۰) نیز به چنین نتیجه‌ای دست یافته‌اند. در صورت مبارزه با فساد که منجر به کاهش هزینه مبادله، جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و کاهش دیوان‌سالاری می‌شود، قدرت دولت در جهت سیاست‌گذاری، بسترسازی و ایجاد نهادهای حمایت‌کننده از بازار بیشتر می‌شود که در نهایت منجر به افزایش سرمایه‌گذاری، تولید و صادرات خواهد شد. در مجموع با توجه به نتایج برآورد الگوها، فرضیه تحقیق مبنی بر اثرگذاری نهادها بر صادرات غیرنفتی تأیید می‌شود.

۴. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

در دنیای امروز تمام کشورها برای رسیدن به توسعه اقتصادی و رشد بالاتر با یکدیگر در رقابت هستند و هر کشوری سعی در به‌دست آوردن بازارهای دیگر کشورها و توسعه دادن صادرات خود دارد تا با به‌دست آوردن بازارهای جدید تولیدات داخل را افزایش داده و سهم بیشتری در مبادلات و تجارت جهانی داشته باشد تا به توسعه یافتگی و رشد بالاتر اقتصادی برای کشورهای مورد نظر منجر شود. اما توسعه صادرات بیشتر باید در زمینه کالاهای صنعتی باشد نه در فروش مواد خام و منابع طبیعی کشور چرا که منابع طبیعی مانند نفت و گاز تجدیدپذیر نیستند و سرانجام روزی این منابع به پایان خواهند رسید. در این تحقیق اثر نهادها با استفاده از چهار شاخص کارایی نهادهای دولتی، کنترل فساد و کیفیت و حاکمیت قانون، بر صادرات غیرنفتی کشورهای منتخب عضو اوپک مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج تحقیق شاخصهای کارایی

نهادهای دولتی و کیفیت قوانین اثر منفی و شاخص کنترل فساد اثر مثبت بر صادرات غیر نفتی داشت و تأثیرگذاری عوامل نهادی بر صادرات غیرنفتی همانند مطالعات پیشین کشورهای عضو اوپک تأیید شد. بنابراین، با توجه به اثرگذاری بالای نهادها بر تولید و صادرات باید توجه ویژه‌ای به کارایی نهادها گردد، در پایان برخی راهکارهای سیاستی به صورت زیر پیشنهاد می‌شود:

- با توجه به اثر منفی و معنادار شاخص اثر بخشی و کارایی دولت: به دست گرفتن فعالیتهایی که ساز و کار بازار در انجام آن قصور و کوتاهی می‌کند، توسط دولت و نبود دخالت دولت در مواردی که بازار در آن عملکرد بهتری خواهد داشت به منظور بهتر شدن اثربخشی و کارایی دولت.
- با توجه به اثر منفی و معنادار شاخص کیفیت قوانین: بهبود کیفیت قوانین و مقررات، بازنگری در قوانین دست و پاگیر و نظارت کامل بر اجرای قوانین به منظور داشتن یک نظام اداری سالم و قانونگرا. همچنین بازنگری، بهبود و تمرکز روی سیاستهایی از قبیل: موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای، کنترل قیمتها و دستمزد و مقررات صادرات و واردات. همچنین در صورت بهبود کیفیت قوانین اقداماتی در جهت افزایش استقلال نظام قضایی و کارایی نیروهای امنیتی می‌تواند مفید باشد.
- با توجه به اثر مثبت و معنادار شاخص کنترل فساد: ایجاد یک نظام حقوقی سالم، کارآمد و مستقل در جهت مبارزه با فساد اقتصادی و اداری.

مآخذ

- Akai, N. (2005). Short-run and long-run effects of corruption on economic growth: Evidence from state-level cross-section data for the United State. *Bi-annual meeting of the Japanese economic association*, Kyoto Sangyo University, 4-5 June 2005.
- Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J. (2005). The rise of Europe, Atlantic trade, institutional change and economic growth. *The American Economic Review*, 95(3), 546-578.
- Baradarane Shoraka, H., & Maleko Sadati, H. (2006). The effect of good governance on economic growth in selected countries. *Rahbord Journal*, 49, 29-52.
- Bennedsen, M., Malchow, M., & Vinten, F. (2005). Institutions and growth a literature survey. Report 2005-1. *Center of Economic for Business Research (CEBR)*.
- Bond, M. (1987). An econometric study of primary commodity exports from developing country regions to the world. *Palgrave Macmillan Journals*, 34(2), 191-227.
- Butkiewicz, J. L., & Yanikkaya, H. (2006). Institutional quality and economic growth: maintenance of the rule of law or democratic institutions, or both? *Journal of Economic Modeling*, 23, 648- 661.
- Coe, D. T., Helpman, E., & Hoffmaister, A. W. (2009). International R&D spillovers and institutions. *European Economic Review*, 53(7), 423-451.
- Crabbe, K., & Beine, M. (2009). Trade, institutions and export specialization. *LICOS, Discussion Papre Series*, 234, 1-48.
- Dollar, D., & Kraay, A. (2002). Institutions, trade and growth. *The World Bank Economic Review*, 29(6), 221-246.
- Eduardo, E., & Rodrigo, V. (2000). *Optimal fiscal strategy for oil exporting countries*. IMF working paper, No. 00/118. Retrieved from <http://www.imf.org/external/pubs/cat/longres.aspx?sk=3654>
- Eesazade, S., & Ahmadzade, A. (2009). Examination the impact of institutional factors on the economic growth: Punctuation governmental factors. *Iran Economic Researchs Journal*, 13(40), 1-28.
- Feng, Y. (2003). *Democracy, governance and economic performance: Theory and evidence*. Cambridge: MA, MIT press.
- Francois, J., & Monchin, M. (2007). Institutions, infrastructure and trade. *Institute for international and development economics(IIDE) discussion paper 224*.
- Gani, A., & Chand Prasad, B. (2006). institutional quality and trade in pacific island countries, *Asia-pacific research and training network on trade working paper series 20*.

- Guillaume Meon, P., & Sekkat, K. (2006). Institutional quality and trade: *Which Institutions? Which trade? Working paper*, University of Brussels, Dulbea cp -140, Bruxelles, Belgium.
- Gujarati, D. N. (2011). *Basic econometrics*. Translated by Abrishami, H., University of Tehran Press, 6th Edition, Tehran.
- Haggard, S., MacIntyre, A., & Tiede, L. (2008). *The rule of law and economic development*. University of California - Sandiego.
- Houthakker, H., & Magee, S. (1969). *Income and price elasticities in world trade. Review of Economics and Statistics, Regions to the World*. IMF staff Papers, 34(2), 191-227.
- Jansen, M., & Nordas, K. (2003). Institutions, infrastructure, trade policy and tradeflows. *World bank*.
- Khan, M. S., & Knight, M. D. (1980). Import compression and export performance in developing countries the review of economics and statistics. *MIT Press*, 70(2), 21-315.
- Knack, S. (2003). *Democracy, governance and growth*. Ann arbor the university of Michigan press.
- Lavallee, E. (2005). Governance, corruption and trade: *A north-south approach. EURISCO, University Paris Dauphine*.
- Levin, A., Lin, C., & Chu, J. (2002). Unit root tests in panel data: Asymptotic and finite sample properties. *Journal of Econometrics*, 108, 1-24.
- Mody, A., & Yilmaz, K. (2002). Imported machinery for export competitiveness. *The World Bank Economic Review*, 16(1), 23-48.
- Momeni, F. (2006). Institutional assessment of the state and the marketplace in the national development process. *Quarterly Journal of Economic*, 6(2) (in Persian).
- Nabioni, A., Changi-Ashtiani, A., & Yazdizadeh, S. (2008). Examination the effect of exchange rate & GDP on Iran's non-oil export. 1st Iranian Conference on Economic Activities Development, Payamenoor University, Tehran.
- Noferesti, M., & Arabmazar, A. (1994). A Macro-econometric model of the irans economy. *Journal of Economic Research and Policies*, 2(1), 5-39.
- Okoh, N., Rosemary. (2004). *Global integration and growth of nigeria's non-oil exports*. Department of economics, delta state university, Oxford, UK, March.
- Pakdaman, R. (1998). Legal factors inhibiting and restricting Iran's exports. Proceedings of the first conference on international trade policy, Tehran, Institute for Trade Studied and Research, 147-165(in Persian).
- Posner, M.V. (1961). International trade and technical change. *Oxford Economic Papers* 13(3), 323 -341.

- Prabir, D. (2010). Does governance matter for enhancing trade? Empirical evidence from Asia. *Research and information system for developing countries*, Core IV-B, Fourth Floor, India Habitat Centre Lodhi Road, New Delhi – 110 003, India.
- Renani, M. (2004). The role of government in institutional reforms through legislation. *Journal of Majlis Research Center*. 39, 13-30, (in Persian).
- Sameti, M., Ranjbar, H., & Mohseni, F. (2011). The effect of good governance indicators on human development index: The case of ASEAN countries. *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*, 1(4), 183-223 (in Persian).
- Samsami, H., & Totonchimaleki, S. (2010). A survey of direct and indirect effects of exchange rate fluctuations on non-oil exports, *Journal of Economics*, 1(1), 23-39 (in Persian).
- Shahabadi, A., Dehghani, H., & Mirzababazadeh, S. (2009). The effect of institutional factors on non-oil export in D8 countries. *Quarterly Journal of New Economy & Commerce*, 5(17-18), 97-117, (in Persian).
- Shakeri, A. (2004). Determinants of non-oil exports. *Quarterly Journal of Irans Economic Research*, 21, 23-50 (in Persian).
- Spencer, B. (1988). What should trade policy target? Strategic trade policy and the new international economics, edited by: Paul Krugman, *The MIT press*.
- Stolper, A.M., Walker, C.S., & Marczak, J. (2006). Rule of law, economic growth and prosperity. *Report of the rule of law working group*, American Society and Council of the America, New York.
- World Bank. (2010). *Governance Indicators*, 1996-2011. Washington D.C: World Bank. Retrieved from <http://www.info.worldbank.org/governance/kkz2004/tables.asp>.
- World Bank. (2001). *Governance and Public sector reform*, Retrieved from <http://www.worldbank.org> homepage.

